



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

Vol. 51, No. 2, Issue 103

سال پنجاه و یک، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۳

Autumn & Winter 2019-2020

پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۵۱-۱۳۵

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhc.v51i2.28078>

حیات اجتماعی دوره صفویه از منظر تذکره نصرآبادی*

دکتر بدرالسادات علیزاده مقدم

استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

Email: baliz_moghadam@yahoo.com

چکیده

در میان منابع پژوهش در تاریخ اجتماعی، تذکرها از جایگاه خاصی برخوردارند. اگرچه تمرکز اصلی تذکرها بر شرح حال شاعران و سخنوران است، اطلاعات حاشیه‌ای که در خلال شرح حال‌ها به آن اشاره شده، می‌تواند نقش مؤثری در تکمیل و گاه حتی تصحیح اطلاعات منابع تاریخی ایفا کند. در میان تذکره‌های دوره صفوی، تذکره نصرآبادی چه به لحاظ تعدد شرح حال‌ها و چه به لحاظ حجم اطلاعات حاشیه‌ای و به‌ویژه توجه نویسنده بر سخنورانی از طبقات مختلف جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله که با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی ساماندهی شده، در پی پاسخ به این سؤال است که تذکره نصرآبادی چه نقشی در تبیین اوضاع اجتماعی دوره صفویه ایفا می‌کند؟ یافته‌ها مؤید آن است که اگرچه نکات اجتماعی ارائه شده در این اثر به‌صورت حاشیه‌ای و در لابه‌لای شرح حال شاعران و سخنوران این دوره آورده شده است، توجه خاص نویسنده به طبقات مختلف جامعه به‌ویژه عامه مردم، سرگرمی‌ها، اعتقادات و آداب و رسوم و چگونگی تعامل اجتماعی گروه‌های مختلف، در کنار نمایاندن آسیب‌ها و چالش‌هایی که طبقات مختلف عصر وی با آن مواجه بوده‌اند، این کتاب را به منبعی ارزشمند جهت فهم بیشتر و بهتر جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی دوره صفویه به‌ویژه اواخر آن بدل ساخته است.

کلیدواژه‌ها: اوضاع اجتماعی، تذکره نصرآبادی، اصفهان، دوره صفوی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۳/۰۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵.

Social life of the Safavid period from the perspective of *Taḍkera-ye Naṣrābādi*

Dr. Badrolsadat Alizadeh Moghadam, Assistant Professor of Payame Noor University

Abstract

Biographies have a special place as a source of research in social history. Although the main focus of biographies is on the life and memoirs of poets and orators, the peripheral information stated amidst the biographies can play an effective role in supplementing and sometimes correcting the information obtained from historical sources. Among the biographies of the Safavid period, *Taḍkera-ye Naṣrābādi* is of special importance both in terms of the abundance of biographies and the sheer volume of peripheral information, especially the author's painstaking effort to document the life of different segments of society. This article, which uses a library method and a descriptive-analytical approach, seeks to answer the question, "What role does *Taḍkera-ye Naṣrābādi* play in explaining the social situation in the Safavid period?" The findings suggest that although the social information in this work are presented indirectly amidst the biographies of poets and orators of this era, the author's special attention to different classes of society, especially the general public, and their hobbies, beliefs and customs and social interactions, not only demonstrates the challenges facing different social strata of his era, but also makes the book an invaluable resource of information that can shed light on various aspects of Safavid social life, especially its late period.

Keywords: Social situation, *Taḍkera-ye Naṣrābādi*, Isfahan, Safavid period

مقدمه

دوره صفویه بی تردید یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران است. اگرچه در این دوره کتب تاریخی گوناگونی به رشته تحریر درآمده، بخش عمده این منابع به نقل تاریخ سیاسی و نظامی معطوف شده و به تاریخ اجتماعی این دوره کمتر پرداخته شده است. برای پر کردن این خلأ، بررسی منابع ادبی و به‌ویژه تذکرها می‌تواند نقش مؤثری را در استخراج مباحث مورد نظر ایفا کند. در میان تذکره‌های دوره صفویه، تذکره نصرآبادی اثر محمدطاهر نصرآبادی به واسطه رویکرد خاص مؤلف آن به مباحث اجتماعی، از جایگاه خاصی برخوردار است. میرزا محمدطاهر نصرآبادی در سال ۱۰۲۸ق در خانواده‌ای اهل علم در نصرآباد اصفهان متولد شد. اگرچه نصرآبادی به قول خود، بخشی از دوران جوانی را در لهو و لعب گذراند، دیری نگذشت که در نتیجه آشنایی و مجالست با بزرگان و عالمان و انجام سفرهایی به مناطق مختلف، به تألیف آثاری چند همت گماشت. تذکره نصرآبادی در سال ۱۰۸۳ق، در یک دیباچه و پنج صف و یک خاتمه در شرح حال نزدیک به هزار شاعر و سخنور از ایران و ماوراءالنهر و هند نوشته شد.^۱ در باب این تذکره تاکنون مقالات متعددی نگارش یافته است. چنان‌که حسین مسرت در مقاله‌ای با عنوان «ارزش و اهمیت تذکره نصرآبادی» ضمن معرفی این تذکره و مؤلف آن، بیشتر از دیدگاه نقد ادبی به تجزیه و تحلیل تذکره نصرآبادی پرداخته است. محمود فتوحی نیز در دایرة المعارف ایرانیکا در مدخل «تذکره نصرآبادی» به طور مختصر به معرفی و نقد این اثر پرداخته است. همچنین پرویز بیگی حبیب آبادی نیز در اثر خود، تأملی در تذکره نصرآبادی ضمن معرفی بخش‌های مختلف تذکره نصرآبادی با ارایه نمونه‌هایی از هر بخش، سودمندی این اثر را در زمینه‌های مختلف مورد تأکید قرار داده است. احمد سهیلی خوانساری نیز در مقاله «تذکره نصرآبادی» اهتمام ویژه‌ای در جهت بررسی منابع و مآخذ آن مبذول داشته است. مقاله حسین مسرت با عنوان «تذکره نصرآبادی دوباره ورق خورد» نیز به معرفی و نقد ادبی تذکره نصرآبادی اختصاص یافته است. رسول جعفریان نیز در مقاله‌ای مختصر با عنوان «اصفهان قرن یازدهم از دیدگاه تذکره نصرآبادی» ضمن معرفی این تذکره و مؤلف آن، اشاره‌گذاری به وضع اصفهان از دیدگاه نصرآبادی داشته است.

۱. برخی از محققان معتقدند که از اواخر قرن پنجم هجری تا روزگار معاصر، شمار آثاری که در حوزه تذکره‌نویسی فارسی اعم از تذکره و شبه‌تذکره به نگارش درآمده، بیش از پانصد اثر است. طولانی‌ترین مقطع در این زمینه دوره صفویه است که حدود دویست و پنجاه سال (۱۱۴۸-۱۸۹۰ق) به درازا کشید. در طول این دوره نزدیک به صد اثر از مجموع پانصد تذکره یاد شده یعنی یک پنجم آن تألیف شد. رک: علی میرانصاری، «تذکره‌های دوره صفوی منابعی ارزشمند برای شناخت شاعران موسیقی‌دان و نوازنده این دوره (۱۱۴۸-۱۸۹۰ق)»، نامه فرهنگستان، دوره چهاردهم، شماره ۵۳ (پاییز ۱۳۹۳)، ۵۱؛ احمد گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش)، ۲/۸۸۳-۸۷۲.

۲. محمدطاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، به تصحیح محسن ناجی (تهران: اساطیر، ۱۳۷۸ش)، ۵/۱.

گفتنی است برخی از محققان نیز که در باب تاریخ اجتماعی دوره صفویه به پژوهش پرداخته‌اند، توجه ویژه‌ای به تذکره نصرآبادی داشته‌اند. از جمله، رودلف مته در آثار متعدد خود در این زمینه از تالیف نصرآبادی بهره گرفته است. از جمله، اثری است که به تازگی با عنوان تفریحات ایرانیان، مسکرات و مخدرات از صفویه تا قاجاریه^۱ به فارسی ترجمه شده است. بدین ترتیب، اگرچه تذکره نصرآبادی در ترسیم حیات اجتماعی دوره صفویه اهمیت بسزایی دارد، تاکنون مقاله‌ای مستقل از این منظر تالیف نشده است. بدین رو، هدف از این پژوهش بررسی اوضاع اجتماعی دوره صفویه از دیدگاه تذکره نصرآبادی است.

«تذکره نصرآبادی» و اهمیت آن در تاریخ‌نگاری اجتماعی

از میان تذکره‌های دوره صفوی^۲، تذکره نصرآبادی که در روزگار آرامش و رفاه صفویان، یعنی در روزگار شاه سلیمان (۱۰۴۵-۱۰۷۳ق) تالیف شده به جهت اشمال بر شرح حال حدود هزار شاعر از طبقات مختلف عصر وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه دقیق و نقل گوشه‌هایی از زندگی اجتماعی طبقات مختلف مردم از سوی نصرآبادی اثر وی را به منبعی قابل توجه جهت پژوهش‌هایی در تاریخ اجتماعی دوره صفوی بدل ساخته است. اگرچه نصرآبادی در برخی جهات همچون ذکر طبقه‌بندی گروه‌های اجتماعی و توجه به برخی از موضوعات اجتماعی، از شماری از تذکره‌های این دوره، به‌ویژه تذکره تحفة سامی الهام گرفته است، به نظر می‌رسد که نگاه او بر خلاف شاهزاده سام میرزا در تذکره تحفة سامی^۳، نگاهی به طبقات فرودست است و بیشتر به عامه مردم و زندگی روزمره آنان توجه کرده است. در واقع به نظر می‌رسد که حضور نصرآبادی در بطن جامعه و آمدوشد با طبقات مختلف و سرانجام وجود برخی زمینه‌ها و تجربیات شخصی او در برهه‌های مختلف زندگی وی به‌ویژه تجربیات دوره جوانی، در توجه بیشتر و دقیق‌تر وی به حیات اجتماعی عصر خود بی‌تاثیر نبوده است. از همین روست که نصرآبادی در ضمن نقل شرح حال‌ها، خواننده را پیوسته با موضوعات مورد توجه تاریخ‌نگاری اجتماعی، یعنی رابطه مردم با مردم در زندگی روزانه آن‌ها، رابطه مردم با حکومت و نهادهای سیاسی و مالی و اداری، رابطه مردم با زیست جهان مادی (شیوه و سبک زندگی) و رابطه مردم با زیست جهان معنوی (اعتقادات و رفتارهای دینی مردم)^۴ پیوند داده است. اگرچه باید توجه داشت که موضوعات یاد شده، به عنوان مطالب حاشیه‌ای و در سایه شرح حال شاعران و عارفان عصر وی در این اثر مطرح شده است.

1. "The Pursuit of Drugs and Stimulants In Iranian History".

۲. جهت اطلاع از تذکره‌های تالیف شده در دوره صفویه رجوع کنید به پیوست‌ها جدول شماره ۱.

۳. سام میرزا صفوی، تذکره تحفة سامی، به تصحیح رکن الدین همایون فرخ (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴ش)، ۷۷.

۴. ابراهیم موسی‌پور بشلی، «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ تمدن اسلامی، شماره ۶ (زمستان ۱۳۸۶): ۱۴۱.

طبقات اجتماعی جامعه صفوی از منظر نصرآبادی

نصرآبادی اگرچه نگارش تذکره خویش را با هدف ثبت «مختصری از اشعار معاصرین خود که بعضی صاحب دیوان و جمعی گاهی متوجه نظم شده‌اند»^۱ آغاز کرده است؛ اما در همان آغاز تألیف، با دیدگاهی که بازتاب نگاه اجتماعی عصر خود^۲ به ساختار طبقات اجتماعی جامعه صفوی است^۳، به طبقه‌بندی شاعران و سخنوران پرداخته است. در واقع، نصرآبادی در لفافه طبقه‌بندی شاعران در یک دیباچه و چهار صف، تصویری هرمی شکل از طبقات اجتماعی دوره صفوی ارائه داده است. این تصویر نمایانگر جایگاه و دغدغه‌ها و برخی از مسایل جاری در هر طبقه بود. در این جهت شاه و خاندان سلطنت که در عقیده جاری دوره صفوی، خداوند زمام رعایا و اداره کشور را به او سپرده بود،^۴ در رأس هرم و در آغاز گشایش سخن یعنی در دیباچه آورده شده است. در این بخش که شرح حال مجملی از چند پادشاه و پادشاهزاده را دربردارد، نصرآبادی ضمن ستایش از خاندان سلطنت و یاد کردن از پادشاهان این دوره به عنوان صاحب دوران، به دغدغه‌های این طبقه در جهت اتصال بخشی به خاندان اهل بیت (ع) و طرح سیادت از طرف آنان پرداخته است. وی ضمن ذکر ابیاتی از پادشاهانی چون عباس اول و کاربرد الفاظی چون کلب آستان علی در اشعار وی، تلاش آنان را جهت ارائه خلوص اعتقاداتشان به تشیع و امامان معصوم (علیهم السلام) باز نموده است. نصرآبادی همچنین با تأکید بر عدالت‌گستری و ترفیه حال مردم به عنوان وظیفه اصلی این طبقه، به بیان برخی از رقابت‌ها و قساوت‌های رایج در این طبقه همچون قتل و نابینا کردن برخی از شاهزادگان پرداخته و آن را از چالش‌های همیشگی پیش روی این طبقه دانسته است.^۵

طبقه «امرا و خوانین» به‌عنوان نخستین صف پس از خاندان سلطنت دومین طبقه مورد نظر نصرآبادی است. وی در این بخش در خلال شرح حال شاعرانی از این طبقه، به ذکر برخی از عوامل مؤثر بر دستیابی این گروه به مناصب بالای سیاسی و شغلی پرداخته است. در دیدگاه نصرآبادی، عنصر اصل و نسب و به‌ویژه جایگاه ایلی و وابستگی به خاندان‌های اشرافی و سادات، در کنار سابقه خدمات خاندانی در حکومت صفوی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به قدرت و انتقال امتیازات شغلی از پدران به فرزندان و فرزندزادگان بود. چنانچه در باب صدرات میرزا رفیع، واگذاری این منصب را پس از درگذشت میرزا رضی بنی‌عم او یا وزرات میرزا مهدی وزیر را نیز پس از مرگ پدرش میرزا حبیب از بستگان مجتهدالزمانی

۱. نصرآبادی، تذکره، ۵/۱.

۲. ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه، ترجمه حمید ارباب شیرانی (تهران: نیلوفر، ۱۳۸۹ش)، ۲۴۵.

۳. جهت اطلاع از بازتاب تحول ساختار طبقات اجتماعی از منظر منابع دوره صفویه رجوع کنید به پیوست‌ها جدول شماره ۲.

۴. انگلیبرت کمپفر، سفرنامه، ترجمه کیکاوس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۰ش)، ۵۹-۵۸.

۵. نصرآبادی، تذکره، ۶/۱، ۲۰-۱۱.

میرسید حسین ذکر کرده است.^۱ با این همه، به نظر می‌رسد که در مواردی نیز کارآمدی و درایت می‌توانست در ارتقاء به مناصب بالاتر نقش مؤثری ایفا کند. شاید بارزترین نمونه این مسئله در این دوره، محمدبیک وزیر بود که فرزند خیاطی از طبقه عامه مردم بود که به سبب زیرکی و کاردانی به مقام اعتمادالدوله دربار صفوی رسید.^۲ همچنین نمونه دیگر ساروتقی ناناوازه، اعتمادالدوله دیگر دوره صفوی بود که به وزارت رسید.^۳ نصرآبادی نیز به نمونه‌هایی از این دست اشاره کرده که از جمله آنان، مرتضی قلی خان را می‌توان نام برد. او از شغل قهوه‌چی به مقام حکومت بندرعباس رسید.^۴ علاوه بر عوامل یاد شده، جریان خرید و فروش مناصب نیز در حکومت صفوی از دیگر راه‌های کسب مناصب بود و نصرآبادی نیز به نمونه‌هایی از آن اشاره کرده است. از جمله، میرزا شمس‌الدین محمد، پس از خرج فراوان موفق به کسب ریاست کل موقوفات آذربایجان شد.^۵ بی‌تردید تلاش وافر امیران جهت کسب مناصب بالا و رقابت بی‌وقفه آنان با یکدیگر در این جهت، پیامدهای نامطلوبی به جهت ناپایداری جایگاه طبقاتی مقامات و تسلط جوترس و توطئه در میان امرا و خوانین به دنبال داشت. در این جهت نیز نصرآبادی به موارد بسیاری اشاره کرده که امرای بلند پایه، به واسطه حسادت و سعایت حاسدان و در نتیجه غضب پادشاهان، معزول و محبوس شده و یا به قتل رسیدند. عزل وزیر شاه عباس اول، خلیفه‌سلطان و همچنین عزل میرزا رفیع صدر، حبس نجف قلیخان زنگنه و قتل ساروتقی وزیر و میرزا صالح، وزیر بروجرد از مصادیق این مدعاست.^۶

«سادات و علما» از دیگر طبقات معتبر جامعه صفوی بودند که نقش قابل توجهی در جهت مشروعیت بخشی به نظام سیاسی صفوی ایفا کردند. سادات و علما که جایگاه خود را در این دوره، بیش از پیش مدیون جریان رسمیت یافتن تشیع بودند، همسو با پادشاهان صفوی اهتمام ویژه‌ای در جهت اشاعه تشیع در ایران مبذول داشتند. با وجود این همسویی، به نظر می‌رسد که تا آغاز حکومت شاه سلطان حسین، سادات و علما از جایگاه فروتری نسبت به امیران و خوانین برخوردار بودند. این مسئله البته با میزان اقتدار پادشاهان صفوی نیز ارتباط تنگاتنگی داشت.^۷ با این همه، این طبقات از همان آغاز دوره صفوی و تحت حمایت صفویان، از قدرت و نفوذ قابل توجهی برخوردار شدند. در این جهت نصرآبادی در صف دوم و سوم به ذکر برخی از دلایل نفوذ و اهمیت ایشان همچون برخوردارگی از شجره سادات و یا وجود

۱. همان، ۲۵-۲۴/۱، ۶۹-۶۴ و ۷۲-۷۴.

۲. تاورنیه، سفرنامه، ۲۱۶.

۳. رودلف مته، ایران در بحران، ترجمه حسن افشار (تهران: مرکز، ۱۳۹۳ش)، ۵۹.

۴. نصرآبادی، تذکره، ۴/۱.

۵. همان، ۱۴۳/۱.

۶. همان، ۲۴-۲۳/۱، ۳۶، ۲۶، ۱۰۱، ۱۶۰-۱۶۱.

۷. انگلبرت کمپفر، سفرنامه، ترجمه کیکاوس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۰ش)، ۱۲۲-۱۲۴.

ارتباط سببی با خاندان سلطنت پرداخته و فراوانی ثروت و املاک برخی از ایشان را از دستاوردهای عمده این ارتباط دانسته است.^۱ چنانکه در یک مورد عواید سالانه حاصل از املاک و مستغلات شاه ابوالفتح از سادات ابرقو و حاکم این ناحیه بیش از هزار تومان بود.^۲ با وجود نفوذ رو به تزاید سادات و علما در نزد عامه مردم و ارتباط مستمر آن‌ها با حکومت صفویه، آنان نیز مانند دیگر طبقات از امنیت لازم برای حفظ مناصب و دارایی خود برخوردار نبودند. چنانچه گاه آنان نیز به سبب سعایت حاسدان، از جانب حکومت گرفتار حبس، عزل، قتل و مصادره اموال می‌شدند.^۳ با وجود این، در این برهه سادات و علمایی نیز بودند که به قول نصرآبادی به طریق درویشان روزگار گذرانده و نقش عمده‌ای از طریق تاسیس مدارس و آموزش دانشجویان در اعتلای فکری و فرهنگی جامعه صفوی ایفا کردند. از نمونه‌های بارز آن می‌توان به عارف بزرگ این دوره آقا حسین خوانساری، مولانا محمد باقر سبزواری، میرابوالقاسم فندرسکی^۴ و علمای دیگر اشاره کرد.

پس از گذر از طبقه سادات و علما، نصرآبادی به صف چهارم مشتمل بر انبوهی از سخنوران از طبقه «عامه مردم» اعم از بازرگانان، اصناف، صاحبان حرف و مشاغل مختلف پرداخته است. در میان این گروه، بازرگانان کاملاً متمایز بودند. بازرگانان و به‌ویژه تجار بزرگ از یک طرف، در راس هرم قدرت و منزلت و ثروت بازار قرار داشتند و از طرف دیگر، به سبب ارتباط و منافع مشترک با حکومت و یا تأمین بخشی از نیازهای مالی حکومت همواره از منزلت اجتماعی ویژه‌ای در میان درباریان و مردم برخوردار بودند.^۵ علاوه بر این، تجار در این برهه، علاوه بر کارکرد اقتصادی، گاه در تحکیم مناسبات سیاسی با حکومت‌های خارجی و به‌ویژه حکومت‌های همسایه نیز نقش موثری را به عهده داشتند. از جمله، میرزا صایبا از تجار تیریزی به واسطه اعتبار و شهرت همزمان در نزد صفویان و گورکانیان، بارها به‌عنوان سفارت‌نقش‌قابل توجهی در ارتباط میان دو کشور ایفا کرد.^۶ در کنار بازرگانان، اصناف شامل پیشه‌وران و صنعتگران ماهر نیز از طرق مختلفی چون عرضه انواع محصولات، خدمات، هنرهای زیبا و سرانجام عرضه مالیاتی سرشار به خزانه حکومت صفوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند.^۷ در این برهه اصفهان مجمعی بود از صنعتگران ماهر و هنرمند که هر کدام با هنر خود بر زیبایی و شکوه پایتخت صفویان می‌افزودند. در این زمینه

۱. نصرآبادی، تذکره، ۱۳۸/۱، ۱۴۴-۱۴۷، ۱۵۵، ۱۶۷-۱۶۶، ۱۷۲.

۲. همان، ۱۶۷/۱.

۳. همان، ۲۴۱/۱، ۱۵۰، ۲۵۳، ۲۶۳.

۴. همان، ۱۶۶، ۲۲۱.

۵. شاردن، سفرنامه، ۳۶۵/۴.

۶. نصرآبادی، تذکره، ۳۱۶/۱.

۷. پیترودلاواله، سفرنامه، ترجمه شعاع الدین شفا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ش)، ۱۰۳.

نصرآبادی از نمونه‌های متعددی یاد کرده که هرکدام از سرآمدان روزگار خود بودند.^۱ از جمله، سید احمدی کاسه‌گر که مهارتش در چینی سازی به گونه‌ای بود که به قول نصرآبادی «زبان چینی ختایی در تحسین کاسه‌اش مو بر می‌داشت»^۲ و یا استاد علی اکبر، معمارباشی اصفهان که مسجد جامع عباسی و برخی دیگر از بناهای عصر شاه عباس اول در اصفهان حکایت از قابلیت‌ها و استعدادهای شگرف او داشت.^۳ ناگفته پیداست که از جمله عوامل موثر در شکوفایی استعداد و رونق کار این هنرمندان و صنعتگران، حمایت حکومت صفویه از این طبقه و ارتباط پیوسته طبقه حاکم با ایشان بود؛ نکته‌ای که به‌طور مکرر مورد اشاره نصرآبادی نیز قرار گرفته است. در واقع این جریان مؤید درک صحیح حکومت صفویان در باب نقش این طبقه در اعتلا و پیشرفت جامعه بود. چنانکه به تصدیق منابع این دوره توجه و رسیدگی حکومت به طبقه اصناف و بازرگانان از موجبات اصلی دوام نعمت و بقای حکومت، افزایش مداخل سلطانی و سرانجام رفاه عامه مردم در این دوره بود.^۴

نکته قابل تأمل دیگر در تذکره نصرآبادی آنکه اگرچه در این دوره طبقات اجتماعی به نوعی تشخیص داشتند، این مسئله به معنای جدایی و تمایز سخت طبقاتی از یکدیگر نبود. این جریان به‌ویژه در اطلاعات مندرج در تذکره نصرآبادی در مواردی چون محلات نوبنیادی چون عباس‌آباد^۵ به راحتی قابل مشاهده است. اگرچه این محله زیبا و آبادان اصفهان در دوره شاه عباس اول^۶ با حدود دوازده هزار خانه عالی^۷ در جانب غربی شهر و به منظور سکونت تجار و صنعتگران مهاجر تبریزی ساخته شد،^۸ به تدریج، به محلی برای تجمع و حشر و نشر مردمی از طبقات مختلف و مهاجرانی از شهرهای مختلف با مشاغل متفاوت بدل شد. نصرآبادی در کنار تعداد فراوانی از شاعران تاجر و صاحبان دیگر مشاغل تبریزی مسکون در عباس‌آباد، به عالمانی از نجف و جبل عامل، همچنین صنعتگران و هنرمندانی از یزد و سیستان و دیگر شهرها نیز که در این محله سکونت داشتند، اشاره کرده و گاه حتی خانه برخی از این تجار را همچون میرزا طالب تبریزی میعادگاه شبانه افرادی از طبقات مختلف به‌ویژه دراویش و عارفان ذکر کرده است.^۹ بدین

۱. نصرآبادی، تذکره، ۳۱۶/۱، ۵۱۰، ۵۱۷، ۵۲۸، ۵۵۳، ۵۹۱، ۵۹۴-۵۹۳، ۵۹۶.

۲. همان، ۲۱۲/۱.

۳. همان، ۱۹۸/۱.

۴. محمد باقر سبزواری، روضة الاثوار عباسی، به تصحیح اسماعیل چنگیزی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش)، ۷۷۴-۷۷۳/۲.

۵. نصرآبادی، تذکره، ۱۶۹/۱.

۶. اسکندربیک ترکمان، عالم آرای عباسی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰ش)، ۱۱۱/۲.

۷. محمدهاشم آصف، رستم التواریخ، به تصحیح میترا مهرآبادی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲ش)، ۹۳.

۸. ملاجلال منجم یزدی، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف الله وحیدنیا (تهران: وحید، ۱۳۶۶ش)، ۴۱۳.

۹. نصرآبادی، تذکره، ۵۲/۱، ۹۶، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۱، ۴۳۴.

ترتیب از منظر نصرآبادی و به مدد شرایط موجود در این دوره به‌ویژه در شهر اصفهان پایتخت صفویان، همواره تعامل عمیق و نزدیکی میان گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه در جریان بود.

تعاملات اجتماعی مردم و بسترهای آن در تذکره نصرآبادی

از دیگر عرصه‌های مورد توجه نصرآبادی، توجه ویژه به چگونگی تعامل و رابطه دایمی مردم با یکدیگر در زندگی روزانه آن‌هاست. بخشی از این ارتباط دایمی در رابطه با حیات اقتصادی مردم و رفع نیازهای اقتصادی آنان در کوچه و بازار شکل می‌گرفت. در این ارتباط نصرآبادی به مشاغل متعددی اشاره می‌کند که صاحبان این مشاغل از شعرا و ادبای جامعه بودند و در مشاغل متعددی در ارتباط مستمر با اقشار مختلف جامعه بودند. بستر این ارتباط گاه مجموعه اقتصادی منسجمی تحت عنوان بازار بود. در این بازارها در کنار دکان‌ها و سراها و همچنین کاروانسراهای متعدد متعلق به تجار داخلی و خارجی،^۱ حضور جاذبه‌های دیگری چون قهوه‌خانه‌ها، غذاخوری‌ها، شفاخانه‌ها و حمام‌ها^۲ را شاهدیم که موجبات تعامل طبقات مختلف اجتماعی را فراهم کرده بود. در این جهت نصرآبادی به کرات از بازار قیصریه و بازار قدیم میدان کهنه و سایر بازارهای اصفهان و جاذبه‌ها و نقش آن‌ها در ایجاد بستری جهت تعامل طبقات مختلف اجتماعی یاد کرده است.^۳ در کنار بازار، نصرآبادی همچنین به مدارس و مساجد بیشماری اشاره کرده که محل دایمی تعامل گروه‌های مختلف مردم بود. این مکان‌های فرهنگی که به‌وسیله درباریان یا بانیان عامی به قصد قربت به خداوند و ائمه (علیهم السلام) و یا جاویدان شدن نام‌شان دایر شده بود،^۴ در ایجاد ارتباط میان اقشار مختلف و به‌ویژه در جابه‌جایی و مهاجرت افراد جهت درک محضر علما و مدرسان این حوزه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کردند. مدرسه جدّه صاحبقرانی شاه عباس دوم و مدرسه نواب والده اشرف و همچنین مساجدی چون مسجد جامع اصفهان، از نمونه‌های بارز مکان‌های فرهنگی مورد تاکید نصرآبادی بوده‌اند.^۵ این حوزه‌های فرهنگی با داشتن امکانات و حجره‌هایی جهت اسکان شبانه روزی طلاب و موقوفاتی جهت رفاه حال آنان^۶ از جمله میعادگاه‌های طلاب و دانشجویانی از طبقات مختلف جامعه بود. چنانکه

۱. ژان شاردن، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی (تهران: توس، ۱۳۷۴ش)، ۱۴۴۴/۴، ۱۴۶۰-۱۴۶۴.

۲. اوژن فلاندن، سفرنامه، ترجمه حسین نورصادقی (تهران: صادقی، ۱۳۷۶ش)، ۲۰۹.

۳. نصرآبادی، تذکره، ۲۰۷/۱، ۲۴۱، ۴۷۶، ۶۱۱، ۷۸۳/۲.

۴. کمپفر، سفرنامه، ۱۴۱.

۵. نصرآبادی، تذکره، ۲۲۱/۱، ۱۶۸، ۲۱۳، ۲۴۸، ۴۹۵، ۷۶۹-۷۸۰.

۶. لطف الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (اصفهان: زیبا، ۱۳۵۰ش)، ۵۵۳.

نصرآبادی خود نیز برای برهه‌ای در مسجد لنبان حجره‌ای اختیار کرده و در آنجا سال‌های متمادی پذیرای شعرا و فرهیختگان بود.^۱

در کنار میعادگاه‌های اقتصادی و فرهنگی، میعادگاه‌های دیگری همانند قهوه‌خانه‌ها قرار داشتند. قهوه‌خانه‌ها که در این برهه بیشتر به هدف گذران ساعات فراغت مردم دایر شده بود، از اهمیت بسزایی در بسترسازی تعاملات اجتماعی میان طبقات مختلف جامعه برخوردار بودند. به جهت رواج قهوه‌خانه در ایران از دوره صفویه، برخی این میعادگاه‌ها را در ایجاد شکل‌های تازه‌ای از معاشرت اجتماعی مؤثر دانسته^۲ و این مکان‌ها را دارای نقش قابل توجهی در فرآیند جاری ارتباط و تعامل میان نهادهای قدرت یعنی حکومت و نهادهای دینی و سرانجام اقشار مختلف جامعه دانسته‌اند.^۳ در واقع، به مدد تعامل مستمر و نزدیک مردم و درباریان و حتی شاه در قهوه‌خانه‌ها، علاوه بر اطلاع حکومت از سختی‌ها و شداید مردم، در مواردی فرمان‌هایی نیز در جهت رفاه حال مردم صادر می‌شد.^۴ نکته قابل توجه دیگر حضور برخی از علما^۵ در این برهه در قهوه‌خانه‌ها و مبادله آرا و اندیشه‌های آنان با دیگر فرهیختگان و عامه مردم بود؛ چنانکه نصرآبادی چنین آورده است: «تبارک الله از آن مجمع، جمعی باقرعلوم نظری و یقینی و گروهی حاوی و ترجمان اصول و فروع دینی».^۶ از دیگر جاذبه‌های چنین قهوه‌خانه‌هایی، وجود فضای آزاد جهت انجام بحث و مناظره بود. چنانکه گاه این مباحث چنان بالا می‌گرفت که به جدال لفظی و درگیری میان طرفین منتهی می‌شد.^۷ در کنار موارد ذکر شده، وجود جاذبه‌ها و هنرهایی چون شاهنامه‌خوانی، شعرخوانی، قصه‌خوانی، و موسیقی و بازی‌هایی چون نرد و شطرنج از دیگر سرگرمی‌ها بود و این سرگرمی‌ها دامنه حضور اقشار مختلف را در قهوه‌خانه‌ها وسیع‌تر کرده و این مکان‌ها را به استراحتگاهی پرجاذبه برای عموم مردم مبدل می‌کرد.^۸

اعتقادات و رفتارهای دینی مردم

اعلام رسمیت یافتن تشیع در دوره صفوی و به دنبال آن تلاش پادشاهان این سلسله در جهت نهادینه کردن

۱. نصرآبادی، تذکره، ۶۷۲/۲.

۲. رودلف مته، تفریحات ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه (تهران: نامک، ۱۳۹۸ش)، ۲۱.

3. Rudi Matthee, "Coffee in Safavid Iran: Commerce and Consumption Author", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 37, No.1 (1994): 19.

۳. نصرآبادی، تذکره، ۳۴۳/۱.

۴. همان، ۲۳۷/۱.

۵. همان، ۶۶۹/۲.

۶. همان، ۴۴۵/۱.

۷. شاردن، سفرنامه، ۷۹۰/۴.

مفاهیم شیعی، مذهب تشیع را به یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار در تاریخ اجتماعی این دوره مبدل ساخت. از جمله مصداق این مدعا توجه خاص نصرآبادی به برخی از اعتقادات و رفتارهای دینی عصر خود بود. نصرآبادی در این راستا در تذکره خود و در خلال شرح حال شاعران، ضمن تاکید بر ثبات اعتقادی برخی از پادشاهان صفوی، به تلاش بی وقفه آنان در جهت نهادینه کردن و اشاعه باورهای شیعی پرداخته است. چنانکه شاه عباس اول ملاحسانی را که یکی از غزوات حضرت علی (ع) را به نظم در آورده بود، به زر کشید.^۱ از سوی دیگر این مشوق‌ها انگیزه شاعران در سرودن چنین اشعاری را دوچندان می‌ساخت.^۲

علاوه بر این، در این برهه پادشاهان صفوی تاکید بسیاری در جهت برگزاری مراسم مذهبی و به‌ویژه مراسم عاشورا و اجرای روضه‌خوانی در شهرهای مختلف ایران داشتند.^۳ چنانچه شاه و درباریان نیز در روز عاشورا در عمارت عالی قاپو حاضر شده و ضمن گوش دادن به روضه‌خوانی مداحان^۴، عبوردسته‌های سوگوار را تماشا می‌کردند.^۵

در این میان گاه تفاوت دیدگاه‌های مذهبی، حساسیت‌های مذهبی را دامن زده و چالش‌هایی را برای جامعه صفویه به همراه داشت.^۶ بدین ترتیب در این فضا پایبندی به تسنن و گاه حتی اشتهار به آن می‌توانست مشکلات فراوانی را برای اشخاص به همراه داشته باشد. نصرآبادی علاوه بر اشاره به تغییر مذهب ملا میرک خان بلخی از تسنن به تشیع و برکات این عمل برای وی، به میرعماد خطاط اشاره کرده که با همه اعتبارش، به سبب اتهام گرایش به تسنن و به اشاره شاه عباس کشته شد.^۷ این چنین بود که گاه اتهام گرایش به تسنن و یا حتی الحاد چنان عرصه را برای افراد تنگ می‌کرد که در نهایت به ترک وطن و مهاجرت افراد به کشورهای همسایه به‌ویژه هند می‌انجامید.^۸

در کنار احترام به اعتقادات شیعی، طبقات مختلف جامعه صفوی ارادات خاصی نیز برای مشایخ صوفیه قائل بودند. اگرچه برخی از منابع به کمرنگ شدن ارتباط صوفیان با صوفیان به‌ویژه در دوره شاه سلیمان اشاره کرده‌اند،^۹ تصویر ارایه شده از سوی نصرآبادی همچنان مبین ارادت خاص پادشاهان صفوی

۱. نصرآبادی، تذکره، ۱۱/۱.

۲. همان، ۱۲-۱۱/۱.

۳. همان، ۵۲۵/۱، ۵۵۴.

۴. محمدابراهیم بن زین‌العابدین نصیری، دستور شهریاران (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۳ش)، ۳۳.

۵. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول (تهران: علمی، ۱۳۷۵ش)، ۲۲.

۶. همان، ۱۷۶/۱.

۷. همان، ۲۳۸/۱، ۲۹۷.

۸. نصرآبادی، تذکره، ۳۶۶/۱، ۴۱۳.

۹. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ۲۳۶.

و همچنین شاه سلیمان نسبت به صوفیان به‌ویژه صوفیانی با اعتقادات و تمایلات شیعی است.^۱ نصرآبادی همچنین در باب ارادت عامه مردم نسبت به صوفیان و مشایخ آنان به‌عنوان «بابا» اشارات فراوانی دارد. مزار این باباها پس از مرگ آنان، همچنان مورد توجه عامه مردم و آرامگاهی برای دفن بزرگان کشوری و لشکری و توده مردم به‌شمار می‌آمد.^۲

آسیب‌های اجتماعی در جامعه صفوی

از دیگر وجوه متمایز تذکره نصرآبادی، اطلاعات حاشیه‌ای و گزارش‌های فراوانی در باب برخی از آسیب‌های رایج در جامعه دوره صفوی است. تنوع این گزارش‌ها مؤید وجود انواع آسیب‌های اجتماعی در جامعه عصر وی و درگیری طبقات مختلف با این آسیب‌های اجتماعی بود. نکته قابل توجه آنکه اگرچه نصرآبادی خود از مداحان پادشاهان صفوی بود،^۳ این موضوع مانع از مغفول گذاشتن نقش دربار صفوی به‌عنوان طبقه عالی و الگوی مورد اقتدای مردم در رواج برخی از آسیب‌های اجتماع از جانب نصرآبادی نشده است. چنانکه بارها ضمن ذکر شرح حال شاعران، به نقش تشویقی پادشاهان در رواج برخی از آسیب‌های اجتماعی از جمله پدیده شراب‌خواری در دیگر طبقات اشاره کرده است. با آنکه برخی از محققان پدیده شراب‌خواری در این دوره را مختص دربار و اشراف دانسته‌اند،^۴ بر اساس داده‌های برخی از منابع این دوره^۵ و تأیید نصرآبادی^۶، این پدیده در میان اقشار مختلف جامعه نیز رایج بود؛ هرچند در دربار از شیوع بیشتری برخوردار بود. چنانکه پادشاهان بزرگ صفوی مانند شاه اسماعیل اول و دیگر پادشاهان صفوی که نسبت به مذهب خود ارادت خاصی داشتند، در مجالس رسمی و نیمه‌رسمی اهتمام ویژه‌ای به نوشیدن شراب داشتند^۷ که این نیز خود به‌نوعی مشوقی برای استفاده از شراب در میان طبقات مختلف جامعه بود. شواهد متعددی در تأیید این جریان در تذکره نصرآبادی وجود دارد. از جمله، نصرآبادی به باریابی میرعقیل از سادات همدان به نزد شاه عباس اول اشاره کرده است. به نوشته نصرآبادی، در این ماجرا شاه به ساقی خود دستور داده تا شراب را به وی دهد و با خودداری وی از نوشیدن آن و قسم دادن شاه به امامان، شاه نیز او را برای نوشیدن به سر خود قسم داده است.^۸ برخی معتقدند که شاه عدم همراهی این

۱. نصرآبادی، تذکره، ۳۰۱/۱، ۳۰۴-۳۰۵.

۲. همان، ۶۱/۱، ۲۲۲.

۳. نصرآبادی، تذکره، ۶/۱، ۱۳-۱۱.

۴. مته، تفریحات ایرانیان، ۱۶۷.

۵. شاردن، سفرنامه، ۸۴۶/۲.

۶. نصرآبادی، تذکره، ۲۳۷/۱، ۲۴۳، ۲۴۹.

۷. سفرنامه ونیزیان، ترجمه منوچهر امیری (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ش)، ۱۵۴.

۸. نصرآبادی، تذکره، ۳۹۴/۱ و همچنین نک: همان، ۴۵۶/۱، ۵۵۶.

افراد را در باده‌نوشی به نوعی سرزنش خود به خاطر عدم رعایت احکام شرعی تلقی کرده و گاه نیز آن را نوعی ریاکاری قلمداد می‌کرده است.^۱ شاید از همین روست که هنگامی که یکی از سادات قم به حضور شاه عباس اول رسیده و به تعریف پسرش پرداخته که طالب علم صالحی است و از مغیبات حلال هم نچشیده است، شاه در جواب وی گفته که «مگو پسری دارم، بگو گره‌خری دارم».^۲ نقل این ماجرا از طرف دیگر مؤید جریان تلاش سادات و علما در قبولاندن حرمت پدیده شراب‌خواری به شاه و دربار بود. این تلاش‌ها اگرچه گاه به‌طور مقطعی به ثمر می‌رسید و موجب اعلام فرمان ممنوعیت این پدیده می‌شد، این ممنوعیت به‌علت مقاومت دربار هیچگاه پایدار نماند.

علاوه بر شراب، استفاده از انواع مخدرات به‌ویژه تریاک نیز از دیگر پدیده‌های رایج دوره صفوی بود.^۳ شاید یکی از دلایل شیوع بیشتر این امر در طبقات مختلف جامعه، عدم نكوهش دینی استفاده از این مخدرات در این دوره بود؛^۴ چنانکه در این باب فقط مصرف زیاد از حد و اعتیاد شدید و مشهود به آن نكوهش می‌شد. از طرف دیگر، در این دوره استفاده از بعضی از مخدرات به‌عنوان دارو برای انواع بیماری‌ها نیز رایج بود. بدین ترتیب، در این دوره خشخاش در نقاط مختلف ایران از جمله اصفهان کشت می‌شد و استفاده کنندگان، تریاک و شیره آن را به‌صورت خوراکی مصرف می‌کردند.

علاوه بر مواد یاد شده کوکنار نیز در جامعه صفوی استفاده می‌شد. شدت استفاده از این مواد مخدر در جامعه چنان بود که کوکنارخانه‌های متعددی در شهرها جهت مصرف کنندگان دایر بود.^۵ نصرآبادی که خود نیز روزگاری به خوردن کوکنار معتاد بود، از شاعران متعددی یاد کرده که علاوه بر تریاک، به‌شدت به خوردن کوکنار نیز اعتیاد داشته و گاه نیز به علت زیاد روی در مصرف مواد مخدر به بلایای متعددی از جمله مرگ دچار می‌شدند.^۶

استفاده از کوکنار و انواع مخدرها محدود به عامه مردم نبود و در میان درباریان و حتی برخی از پادشاهان صفوی مانند اسماعیل دوم و شاه صفی و دیگران نیز رواج داشت.^۷ به‌طور معمول و به تبع دربار صفوی، این پدیده در میان دربار حکام صفوی نیز پدیده‌ای معمول و رایج بود. چنانکه به‌دستور امامقلی

۱. مته، تفریحات ایرانیان، ۱۹۷.

۲. نصرآبادی، تذکره، ۴۴۰/۱.

۳. کارری، جملی، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۴۸ش)، ۱۴۴.

۴. مته، تفریحات ایرانیان، ۱۶۷.

۵. همان، ۱۴۸/۱، ۵۹۳-۵۹۲.

۶. همان، ۵۳۸-۵۳۵/۱، ۵۹۲، ۳۹۵، ۶۰۷، ۶۶۲/۲.

۷. محمد طهرانی شفیعی، مرآت واردات، به تصحیح منصور صفت‌گل (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش)، ۹۳.

خان، حاکم فارس، جهت رفاه حال و مصرف شاعر دربار وی، ملامخفی رشتی، سه پایه طلایی جهت کوکنار ساخته و در میان مجلس گذاشته شد.^۱

در کنار اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد به قمار و وجود قمارخانه‌ها نیز از دیگر آسیب‌های اجتماعی این دوره بود. اگرچه این قمارخانه‌ها بیشتر حالت سرگرمی داشتند و در برخی برهه‌ها نیز از طرف حکومت صفویه به شدت با ایجاد این مکان‌ها مبارزه می‌شد،^۲ وجود این قمارخانه‌ها و اعتیاد برخی از طبقات بدان، گاه عامل مهمی در جهت از دست رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی افراد بود.^۳

از دیگر آسیب‌های اجتماعی مورد توجه نصرآبادی رواج انواع فحشا همچون روسپیگری و همجنس‌گرایی بود. نصرآبادی ضمن ذکر شاعرانی که به این مفاسد اجتماعی مبتلا بودند، علاوه بر نشان دادن شیوع این مفاسد در جامعه عصر وی، به تبعات اجتماعی آن در جهت از دست رفتن اعتبار و منزلت افراد و حتی گاه سرمایه مادی ایشان و همچنین تبعات بهداشتی آن، از جمله ابتلا به انواع بیماری‌های مقاربتی همچون بیماری آتشک اشاره کرده است.^۴ این مفاسد در دربار صفوی و حکام آن‌ها نیز کم و بیش رواج داشته و درآمد مالیاتی حاصل از آن نیز برای حکومت صفویان قابل توجه بود؛^۵ اما به هر رو، گرفتاری به این آسیب اجتماعی در منظر اجتماع چنان نکوهیده بود که گاه عاملی در جهت انزوا و طرد افراد بود. شدت این جریان گاه به جایی می‌رسید که زمینه مهاجرت شاعران را به شهر یا کشورهای همسایه مانند هند فراهم می‌آورد.^۶

گفتنی است که میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی و شدت مقابله با آن از طرف صفویان در ادوار مختلف یکسان نبوده و گهگاه تلاش‌های فراوانی نیز در مبارزه با این آسیب‌ها صورت می‌گرفت.^۷ اما در بسیاری از مواقع و با وجود صدور فرامینی از جانب برخی از پادشاهان صفوی^۸، این تلاش‌ها به سبب کارشکنی درباریان و ماموران اجرایی و ضعف قدرت اجرایی شاه و گاه جاذبه‌های مالیاتی، تاثیر قابل توجهی به همراه نداشت.

نتیجه

تذکره نصرآبادی که از مهم‌ترین تذکره‌های دوره صفویه شمرده می‌شود، در باب تاریخ اجتماعی این دوره

۱. نصرآبادی، تذکره، ۳۹۵/۱.

۲. حسن بیک روملو، احسن التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی (تهران: بابک، ۱۳۷۵ش)، ۳۲۳/۱.

۳. نصرآبادی، تذکره، ۵۷۴/۱.

۴. همان، ۱۴۰/۱، ۳۰۴، ۳۹۲، ۵۴۲.

۵. مته، تفریحات ایرانیان، ۳۱.

۶. نصرآبادی، تذکره، ۳۰۴/۱، ۳۸۲، ۵۵۴.

۷. روملو، احسن التواریخ، ۲۹۴/۱.

۸. نصیری، دستور شهبازان، ۵۲-۴۶.

اهمیت بسزایی دارد. در این جهت آنچه موجبات تمایز این تذکره را از منظر تاریخ اجتماعی فراهم کرده است، توجه مؤلف به جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی و نقل گوشه‌هایی از زندگی روزمره طبقات مختلف مردم در خلال شرح حال شاعران این دوره است. این مسئله به‌ویژه در باب نگاه خاص نصرآبادی به طبقات میانی و توده مردم بعنوان قشر تاثیرگذار، در بسترسازی تحولات فرهنگی و اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. توجه و التفات نصرآبادی به فعالیت‌های اجتماعی طبقات مختلف و اشارات وی به بسترهای متنوع تعاملات اجتماعی، از یک طرف گویای ثبات و آرامش در جامعه عصر وی و از طرف دیگر، حاکی از رونق تعاملات اجتماعی در میان طبقات مختلف عصر وی است. نصرآبادی همچنین در کنار اشاره به رونق تعاملات اجتماعی در جامعه صفوی، به‌طور جسته و گریخته و در لفافه شرح حال‌ها، بر نقش مستمر و تسلط دائمی حکومت بر جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی عصر خود از شکل بندی ساختار طبقاتی و کارکرد آن‌ها تا گذران اوقات فراغت طبقات مختلف در بسترهای متنوع تعاملات اجتماعی اشاره دارد. صفویان علاوه بر کنترل نامحسوس جامعه و حفظ ارتباط با طبقات مختلف، از بسترهای مختلف تعاملات اجتماعی در جهت فرهنگ‌سازی و تعمیق باورهای مذهبی به‌عنوان یکی از پایه‌های اقتدار حکومت صفویان بهره گرفتند. در کنار این شرایط، جامعه نصرآبادی شاهد چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی متعددی بود. بی‌تردید در اشاعه این آسیب‌های اجتماعی عوامل مختلفی چون ضعف و عدم کارایی و گاه انفعال دستگاه حاکمه تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشت. سرانجام شاید بتوان گفت وجود این چالش‌ها و شدت گرفتن آن‌ها در جامعه و عدم مقابله با آن‌ها در ادوار بعدی خود از عواملی بود که موجبات ضعف و زوال صفویان را فراهم آورد.

فهرست منابع:

- آصف، محمدهاشم. رستم التواریخ. به تصحیح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲ ش.
- اولناریوس، آدام. سفرنامه. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار نو، ۱۳۶۵ ش.
- بیگی حبیب‌آبادی، پرویز. تأملی در تذکره نصرآبادی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶ ش.
- تاورنیه، ژان باتیست. سفرنامه. ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر، ۱۳۸۹ ش.
- ترکمان، اسکندر بیگ. عالم آرای عباسی. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- جعفریان، رسول. «اصفهان قرن یازدهم از نگاه تذکره نصرآبادی». آینه پژوهش، شماره ۴۴ (۱۳۷۶ ش): ۵۵-۶۰.
- دلاواله، پیترو. سفرنامه. ترجمه شعاع الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ ش.
- روملو، حسن بیگ. احسن التواریخ. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: بابک، ۱۳۷۵ ش.
- صفوی، سام میرزا. تذکره تحفه سامی. به تصحیح رکن الدین همایون فرخ. تهران: اساطیر، ۱۳۸۴ ش.
- سبزواری، محمدباقر. روضة الانوار عباسی. به تصحیح اسماعیل چنگیزی. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۳ ش.

شماره ۱۰۳	تاریخ و فرهنگ	۱۵۰
	سفرنامه ونیزیان. ترجمه منوچهر امیری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.	
	سیوری، راجر، ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز، ۱۳۷۲ ش.	
	سهیلی خوانساری، احمد. «تذکره نصرآبادی». ارمان، شماره ۱۰ (۱۳۱۶ ش): ۶۹-۷۴.	
	شاردن، ژان. سفرنامه. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس، ۱۳۷۴ ش.	
	طهرانی، محمدشفیع. مرآت واردات. به تصحیح منصور صفت گل. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۳ ش.	
	فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول. تهران: علمی، ۱۳۷۵ ش.	
	فلاندن، اوژن، سفرنامه. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: صادقی، ۱۳۷۶ ش.	
	کارری، جملی. سفرنامه. ترجمه عباس نخجوانی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۴۸ ش.	
	کمپفر، انگلبرت. سفرنامه. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۰ ش.	
	گلچین معانی، احمد. تاریخ تذکره‌های فارسی. تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳ ش.	
	مته، رودلف. ایران در بحران. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز، ۱۳۹۳ ش.	
	مته، رودلف. تفریحات ایرانیان. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نامک، ۱۳۹۸ ش.	
	منجم یزدی، ملاجلال. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. به کوشش سیف الله وحیدنیا. تهران: وحید، ۱۳۶۶ ش.	
	مسرت، حسین. «ارزش و اهمیت تذکره نصرآبادی». آینه پژوهش، شماره ۴۸ (۱۳۷۶ ش): ۵۴-۵۶.	
	مسرت، حسین. «تذکره نصرآبادی دوباره ورق خورد». آینه پژوهش، شماره ۶۷ (۱۳۸۰ ش): ۶۹-۷۳.	
	موسی پور بشلی، ابراهیم. «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۶ (زمستان ۱۳۸۶): ۱۴۱-۱۵۵.	
	میرانصاری، علی و علی میرانصاری. «تذکره‌های دوره صفوی، منابعی ارزشمند برای شناخت شاعران موسیقی دان و نوازنده این دوره (۹۰۷-۱۱۴۸ق/۱۵۰۲-۱۷۳۶)»، نامه فرهنگستان، دوره چهاردهم، شماره ۵۳ (پاییز ۱۳۹۳): ۵۲-۶۱.	
	نصرآبادی، محمدطاهر. تذکره نصرآبادی. تهران: اساطیر، ۱۳۷۸ ش.	
	نصیری، محمدابراهیم بن زین العابدین. دستور شهر یاران. تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۳ ش.	
	هنرفر، لطف الله. گنجینه آثار تاریخی اصفهان. اصفهان: زیبا، ۱۳۵۰ ش.	
	Matthee, Rudi and Beth Baron. "Prostitutes, Courtesans, and Dancing Girls: Women Entertainers in Safavid Iran". <i>Iran and Beyond</i> . Mazda Publishers Inc (2000): 121-150.	
	Matthee, Rudi. "Coffee in Safavid Iran: Commerce and Consumption" <i>Journal of the Economic and Social History of the Orient</i> , Vol.37, No.1 (1994): 1-32.	
	Mahmoud Fotoohi, "TADKERA-YE NASRABADI", Iranicaonline. Org.	

طبقات اجتماعی از منظر برخی از منابع دوره صفوی

نام منبع و تاریخ تالیف	مؤلف	ترتیب طبقات اجتماعی
تحفه سامی (۹۵۷ق)	سام میرزای صفوی	۱. سلاطین ۲. سادات ۳. وزرا و ارباب قلم ۴. سایر عوام
سفرنامه تاورنیه (۱۰۷۵ق)	ژان باتیست تاورنیه	۱. شاه و خاندان سلطنت ۲. درباریان و امرای کشوری و لشکری ۳. علما و قصات و اهل قلم ۴. بازرگانان و پیشه وران
تذکره نصرآبادی (۱۰۸۳ق)	محمد طاهر نصرآبادی	۱. شاه و پادشاهزادگان ۲. امرا و خوانین ۳. سادات ۴. علما ۵. عامه مردم: بازرگانان، اصناف و صاحبان حرف
سفرنامه کمپفر (۱۰۹۵ق)	انگلبرت کمپفر	۱. شاه و دربار وی ۲. وزرا و امرای کشوری و لشکری ۳. روحانیان ۴. سایر مردم
تذکره حزین (۱۱۶۵ق)	محمد علی حزین لاهیجی	۱. خاندان سلطنت ۲. علما و سادات ۳. امرا و مستوفیان